اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم در عهد ایشان چنان منتظر نماز عشاء می ماندند که (از فرط خستگی و خمیازه کشیدن) سرهایشان مایل می شد؛ سپس بلند شده و نماز می خواندند، بدون اینکه دوباره وضو بگیرند.

از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که می گوید: اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم در عهد ایشان چنان منتظر نماز عشاء می ماندند که (از فرط خستگی و خمیازه کشیدن) سرهای شان مایل می شد؛ سپس بلند شده و نماز می خواندند، بدون اینکه دوباره وضو بگیرند.

[صحیح است] [به روایت ابوداوود - به روایت مسلم]

در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم صحابه منتظر نماز عشاء می ماندند و در حین انتظار، به خواب سبکی می رفتند، سپس بدون تجدید وضو نماز می خواندند. و هرکس در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم کاری را انجام داده و رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را رد نکرده باشد، به منزله اقرار و تایید ایشان است؛ و اقرار یکی از بخش های سنت نبوی است که عبارت است از: قول، فعل و تقریر؛ پس اگر رفتاری در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم صورت گیرد و ایشان انکار نکند، سنت تقریری محسوب می شود؛ زیرا اگر نماز آنها باطل می بود، یا رفتار آنها نادرست می بود، رسول الله صلی الله علیه وسلم ایشان را متوجه این مساله می کرد؛ چه خود متوجه اشتباه مذکور می شد یا از طریق وحی از آن اطلاع می یافت. عبارت «تَخْفِقَ رُءُوسُهُمْ» که در روایت ذکر شده، یعنی: از فرط چرت و خمیازه سرهای شان کج می شد. و در روایت دیگری آمده است: «تا جایی که من صدای خر و پف یکی از آنان را می شنیدم، سپس بلند می شدند و نماز می خواندند و وضو نمی گرفتند». و در روایت دیگری آمده است: «پهلوهای خود را بر زمین می نهادند». "سپس نماز می خواندند بی آنکه وضو بگیرند"؛ یعنی بدون گرفتن وضوی جدید به نماز بر می خواستند، زیرا خواب آنها عمیق نبود و به علاوه اگر خواب شان ناقض وضو می بود، رسول الله صلی الله علیه وسلم حتما به آنان می گفت و این مساله را تایید نمی کرد. از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است که خواب نیز همانند ادرار و مدفوع وضو را نقض می کند، چنانکه می فرماید: «ولکن من غائط وبول ونوم»؛ و در حدیث علی رضی الله عنه آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «العین وکاء السَّه فمن نام فلیتوضأ»: «چشم دربند مقعد است، پس هرکس خوابید (پس از بیداری) باید وضو بگیرد». و در حدیث معاویه رضی الله عنه آمده است: «العین وکاء السَّه، فإذا نامت العینان استطلق الوکاء»: «چشم دربند مقعد است، چون چشمان بخواب بروند، بند (آن) باز می شود». با توجه به این دلایل ثابت می شود که خواب ناقض وضو است. این درحالی است که حدیث باب و روایات همراه آن بر این دلالت دارند که خواب وضو را نمی شکند. بنابراین حدیث این باب و نیز روایت «خر و پف و قرار دادن پهلو» چنین تاویل می شود که خواب آنها عمیق نبوده است. و شنیده شدن صدای خر و پف یکی از آنها در ابتدای خوابش بوده پیش از آنکه خوابش عمیق شود و گزاردن پهلو نیز مستلزم خواب عمیق نیست. اینگونه دلایل جمع شده و به همه آنها عمل می شود و اگر امکان جمع میان دلایل وجود داشته باشد، بهتر است که دلایل جمع شوند تا اینکه برخی را ساقط نماییم. بنابراین: اگر کسی بخواب عمیق فرو رود چنانکه ادراکش بطور کلی از بین برود، باید وضو بگیرد و اگر خوابش عمیق نباشد، نیازی به وضو گرفتن نیست. هرچند بهتر و نزدیک تر به احتیاط وضو گرفتن است. و اگر شک داشت به خواب عمیق رفته یا نه؟ وضویش نمی شکند، زیرا اصل بقای طهارت است و یقین با شک از بین نمی رود. شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می گوید: «خوابی که در آن شک باشد، آیا موجب خروج باد است یا نه؟ پاسخ این است که وضو را نمی شکند، زیرا طهارت و وضو با یقین ثابت شده، پس با شک از بین نمی رود».